

تشکیل مرکز ملی هوش مصنوعی می‌تواند از اقدامات جزیره‌ای جلوگیری کند

توسعه هوش مصنوعی از مسیر هم‌افزایی می‌گذرد

«فرهیختگان» گزارش سال مالی بنیاد ملی علوم آمریکا (NSF) را بررسی می‌کند

پیش‌بینی بودجه ۱۱ میلیارد دلاری

برای NSF در ۲۰۲۴



فرهیختگان

دانشگاه

دوشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۴۲۴ | WWW.FDN.IR

معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد درگفت‌وگوبا «فرهیختگان»:

زیست‌دانشجویان در ۷ ساعت سنجیده می‌شود

تشکیل مرکز ملی هوش مصنوعی می‌تواند از اقدامات جزیره‌ای جلوگیری کند

توسعه هوش مصنوعی از مسیر هم‌افزایی می‌گذرد



فاطمه طاری بخش خبرنگار گروه دانشگاه

هوش مصنوعی در ماه‌های اخیر در صدر اخبار داخلی و خارجی قرار داشته و ترند این روزهای دنیای تکنولوژی است. تندی که نه تنها دیر وارد کشور ما شد، بلکه شرایط گویای این بود که در حوزه حکمرانی موازی کاری‌های بسیاری در آن صورت گرفت. اما با خبری که دیروز مبنی بر تشکیل شورای ملی راهبری هوش مصنوعی زیر نظر روح‌الله دهقانی فیروزآبادی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان با حکم رئیس جمهور منتشر شد به نوعی می‌توان گفت سوت پایان موازی‌کاری‌ها و آغاز هم‌افزایی دستگاه‌ها در حوزه هوش مصنوعی را به صدا درآورد. در ادامه این گزارش به بهانه تشکیل شورای ملی راهبری هوش مصنوعی مروری بر آنچه در دستگاه‌ها بر هوش مصنوعی گذشته، داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

مرکز هوش مصنوعی به توسعه زیرساخت یکپارچه می‌پردازد

همان‌طور که اشاره شد دیروز، معاونت علمی ریاست جمهوری با حکم رئیس جمهور مأمور تشکیل شورای ملی راهبری و مرکز ملی هوش مصنوعی شده است. این شورا و مرکز ملی هوش مصنوعی تمرکز خود را بر توسعه زیرساخت یکپارچه و پردازنده‌های قوی، سیستم ذخیره‌سازی قوی و سیستم پردازش ابری مناسب قرار داده است. اعضای این شورای رئیس جمهور یا معاون علمی فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان رئیس شورا، رئیس مرکز ملی هوش مصنوعی به عنوان دبیر، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس اداری و استخدامی، وزیر صنعت معدن و تجارت، وزیر دفاع، وزیر بهداشت، وزیر ارتباطات، وزیر اداری، وزیر دفاع، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی و دو عضو حقیقی به پیشنهاد دبیر شورا و به حکم رئیس جمهور را شامل می‌شوند. معاونت علمی ریاست جمهوری که در سند هفتم توسعه مجری ایجاد مراکز هوش مصنوعی شناخته شده و در حال حاضر وظیفه تدوین و ابلاغ سند هوش مصنوعی را نیز برعهده دارد بیش از این نیز در تیرماه امسال خبر از راه‌اندازی سند توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی داد. این سند در شهریورماه ۱۴۰۲ به دبیری رشاد حسینی راه‌اندازی شد و در نظر دارد تا اطللس ویژه هوش مصنوعی را تدوین کند. همچنین صحبت‌هایی درخصوص ایجاد شش هاب فناوری و آزمایشگاه ملی هوش مصنوعی در تیرماه شده بود که تا این لحظه خبری مبنی بر راه‌اندازی آن به گوش نرسیده است.

در دستگاه‌ها چه بر سر هوش مصنوعی آمد؟

اما پیش از تشکیل شورای ملی هوش مصنوعی ارگان‌های مختلفی به حوزه هوش مصنوعی ورود کرده بودند که به نظر

می‌رسد تشکیل چنین شورایی به هم‌افزایی دستگاه‌ها در این حوزه کمک کند. یکی از اولین ارگان‌هایی که به هوش مصنوعی ورود کرد شورای انقلاب فرهنگی بود. تنها مأموریتی که این شورا داشت تدوین سند هوش مصنوعی و در واقع سیاست‌گذاری در این حوزه بود. اما تدوین این سند تنها در حوزه وظایف شورانبود و بعد از آن در قانون هفتم توسعه، وزارت ارتباطات و شورای عالی فضای مجازی از سمت دولت و مجلس مکلف به تدوین این سند شدند. در کنار تدوین سند تمام دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها باید برنامه خود را برای استفاده حداکثری از هوش مصنوعی به تصویب هیات دولت برسانند. دو وزارت علوم و بهداشت با توجه به اینکه پذیرای بسیاری از جوانان و دانشجویان کشور هستند باید در حوزه هوش مصنوعی، به خصوص تولید علم، فناوری آن نقش داشته باشند. وزارت علوم نیز هوش مصنوعی را ذیل معاونت آموزشی تشکیل داد که هدف اصلی این میز طبق گفته تقی‌زاده، مدیرکل آموزشی وزارت تدوین رشته‌های جدید و مبتنی بر هوش مصنوعی است. در حالی که وزارت علوم به همین حد کفایت کرده است. وزارت بهداشت با تأسیس دانشگاه علوم پزشکی هوشمند، راه‌اندازی کمیته هوش مصنوعی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و برگزاری کنگره هوش مصنوعی نشان داده که موضوع هوش مصنوعی را به صورت جدی‌تری دنبال می‌کند. وزارت ارتباطات به عنوان اصلی‌ترین ارگان حوزه هوش مصنوعی شناخته می‌شود. این وزارتخانه پژوهشگاه ارتباطات مرکز نوآوری و توسعه هوش مصنوعی راه‌اندازی کرد و همان‌طور که اشاره شد، از سمت مجلس برای تدوین سند هوش مصنوعی مکلف شده است. در آینده نیز پژوهشگاه در حوزه هوش مصنوعی ایجاد می‌کند.

۴ نکته درباره نحوه حکمرانی بر هوش مصنوعی

بعد از مرور اطلاعاتی که از دستگاه‌ها در دسترس وجود دارد، باید نگاه‌ها به چند نکته در مورد نوع مواجهه حاکمیت با این فناوری و سیاست‌گذاری در هوش مصنوعی کرد. ۱. اگرچه تشکیل ستاد و شورایی در سطوح بالای مدیریت قابل توجه است و نشان می‌دهد که هوش مصنوعی برای حاکمیت اهمیت دارد اما باید توجه داشت که با فناوری‌های جدید و نوین باید به صورت سنتی مواجهه شد. این نوع فناوری‌ها نیازمند چابکی و هوشمندی است. نیازمند نظر و پرس‌وجو از متخصصان و فناوری‌ها هوش مصنوعی است. نمی‌توان تنها به نوشتن سندی اکتفا کرد و انتظار داشت که می‌توان تنها با ریل‌گذاری به اهداف عالی رسید. دانشگاه به عنوان مبدأ علم در حوزه هوش مصنوعی و علمی‌رغم پژوهشگران و دانشمندان بسیاری که دارد چندانی در تدوین اسناد این حوزه نداشته است. در حالی که جامعه علمی یکی از مهم‌ترین ذی‌نفعان حوزه هوش مصنوعی است یا حتی در بسیاری از شرکت‌های بزرگ و موفق ایرانی نحوه مدیریت می‌تواند الگویی

مناسبی برای حکمرانی هوش مصنوعی باشد. ۲. با توجه به اینکه تمامی نمایندگان که در تدوین سند هوش مصنوعی و همچنین اعضای شورای ملی راهبردی حضور دارند؛ از سمت ارگان‌های دولتی انتخاب می‌شوند. در نتیجه بیشترین تمرکز نیز تا به اینجای کار به جلب نظر دستگاه‌های دولتی به این حوزه بوده است. نکته توجه دیگر این است که نمایندگان دستگاه‌های دولتی تا چه حد دانش کافی را در حوزه هوش مصنوعی دارند و اصلاً چقدر می‌توانند به چنین حوزه‌ای کمک کنند؟ زیرساخت‌های مورد نیاز در دسترس دارند؟ به نظر می‌رسد شورا با فراخواندن افراد متخصص در حوزه هوش مصنوعی از پژوهشگاه، دانشگاه و شرکت‌های مختلف باید به تقویت سطح دانش خود در این حوزه پردازد. در واقع بهتر است حاکمیت نگاهی به قابلیت شرکت‌های خصوصی داشته باشد. عمده پیشرفت هوش مصنوعی می‌تواند مبتنی بر مشارکت بخش خصوصی باشد با توجه به اینکه انگیزه، سرمایه و انعطاف عمل بیشتری در این حوزه دارند. اما نه در قانون توسعه هفتم و نه در نوع عملکرد ارگان‌های مختلف نمی‌توان استفاده از این قابلیت را رویت کرد.

۳. مورد سوم اهمیت بسیار زیادی دارد. در حوزه هوش مصنوعی نمی‌توان تنها به تصویب اسناد و آیین‌نامه‌ها و... اکتفا کرد. هوش مصنوعی مانند پلتفرم‌های مختلف فضای مجازی، نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. عمده فرهنگ این حوزه نیز مبتنی بر فرهنگ داده‌مداری است. یعنی باید سیاست‌گذاران بی‌زیرنگ اطلاع از داده‌ها و تصمیم‌گیری براساس آن اهمیت زیادی در هوش مصنوعی دارد. برای مثال، ماه پیش بود که رئیس جمهور آمریکا اولین فرمان اجرایی در حوزه هوش مصنوعی را اعلام کرد و یکی از نکات آن تحقیق درباره تأثیر هوش مصنوعی بر بازار کار بود. در واقع سیاست‌گذاران و پس از آن عموم جامعه باید بدانند که هوش مصنوعی چه تأثیری بر بازار کار، تولید ناخالص داخلی و... می‌گذارد. ۴. یکی از چالش‌هایی که با فراگیر شدن هوش مصنوعی دولت‌ها با آن مواجه شدند حفاظت و حرامت از داده‌ها و اطلاعات محرمانه شهروندان بود. با توجه به اینکه پایه اصلی هوش مصنوعی داده‌ها و اطلاعات است ممکن است حریم شخصی افراد به خطر بیفتد. مثال ساده‌ای که برای این موضوع وجود دارد پلتفرم‌های اجتماعی هستند که با استفاده از هوش مصنوعی داده‌هایی که افراد در آن به اشتراک می‌گذارند ذخیره و جمع‌آوری می‌شود و ممکن است این اطلاعات برای مقاصد دیگری استفاده شوند. به همین دلیل دولت‌ها باید بتوانند با قانونگذاری از داده‌های خود و شهروندان محافظت کنند. مورد دیگری که در موضوع داده‌ها وجود دارد که در کشور ما بسیار فراگیر است محرمانه نقلی شدن داده‌ها از سمت برخی نهادها است که باعث نقص برخی از داده‌ها می‌شود. در نتیجه بهتر است تا در قانونگذاری بر هر دو موضوع تصمیمات جدی لحاظ شود.

دیپلماسی؛ ابزاری برای پاسداری از هویت

سیدمحمدعلی سیدخانی
دبیرکل اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی علوم سیاسی ایران

علی افسری
دبیرکل انجمن‌های علمی دانشجویی علوم سیاسی ایران

مصادره مفاهیم فرهنگی و مشاهیر تاریخی یک کشور توسط کشوری دیگر، همواره یکی از راه‌های هویت‌سازی بوده است. این کشورها برای برسازی هویت ملی خود، به سرمایه‌های فرهنگی و تاریخی دیگر کشورها دست‌نبرد می‌کنند. در این رویکرد نادرست که توسط برخی از کشورهای همسایه ما نیز صورت گرفته، به سرمایه‌های ملی - فرهنگی ما نیز دست‌درازی شده است. برای مثال، بزرگان و مفاهیم چین مولوی، نظامی گنجوی، ابوریحان بیرونی، فارابی، خاقانی و ده‌ها تن دیگر به عنوان «مفخر ترک» معرفی شده‌اند. این دست‌درازی فقط به شعرا و مشاهیر ما منحصر نمی‌شود. همین کشورها در سال‌های گذشته، جشن‌ها و آیین‌های ملی ما را مصادره کردند. برای مثال در سال ۲۰۱۱ تلویزیون دولتی ترکیه، نوروز را عید بزرگ جهان ترک نامید. اما این جعل هویت فقط در همین حد باقی نماند. برای مثال، این جاعلان بارها تلاش کرده‌اند تا دیوان شاعری به نام نظامی قزوینی را به شاعر ایرانی تبار، نظامی گنجوی منتسب کنند و بدین طریق نظامی گنجوی را شاعری ترک معرفی کنند. این اقدامات، که توسط دولت‌های آورده، پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی شوروی صورت می‌گیرد، با هدف برسازی یک هویت جدید انجام می‌شود. این دولت‌ها با استفاده از این هویت برساخته، دولت-ملت‌های جدیدی به وجود آورده‌اند. اما در این بین، با برداشتن هویت بزرگان ایرانی و مصادره بسیاری از مفاهیم ملی ما، صدماتی به هویت و فرهنگ ملی مان وارد کرده‌اند. محمدعلی فرغی در کتاب خاطرات خود نقل می‌کند که مصطفی کمال آتاترک در دیداری که با فرغی داشته، خطاب به فرغی گفته است که «شما ایرانی‌ها قادر ملیت خود را نمی‌شناسید، و معنی آن را نمی‌فهمید، و نمی‌دانید که ریشه داشتن، و حق آب و گل داشتن، در قسمتی از زمین چه نعمت عظیمی است... و من ناگزیرم برای ملت ترک چنین سوابقی دست و پا کنم». اینطور که برمی‌آید، دولت‌مداران این کشورها قصد دارند با مصادره مفاهیم بزرگان ایرانی، برای خود «سوابقی دست و پا کنند». به هر حال آنچه که ما برمی‌آید، حفظ و حرامت از فرهنگ و هویت ایرانی است. در باب اهمیت پاسداری از هویت بسیار گفته شده است. آنچه که باید به آن پرداخت، چگونگی پاسداری از هویت است. دیپلماسی عمومی و در ذیل آن دیپلماسی فرهنگی، ابزاری به غایت کارآمد برای پاسداری از هویت ملی است. در این نوشتار قصد داریم نشان دهیم چگونه می‌توان با استفاده از دیپلماسی فرهنگی از هویت ایرانی پاسداری کرد. این‌گونه دیپلماسی رامی‌توان دیپلماسی هویت نامید.

هویت ایرانی؛ میراثی گرانبها

هویت مفهومی است که همواره در ارتباط با دیگر افراد جامعه شکل می‌گیرد. برای هویت تعاریف متفاوتی مطرح شده است. اما صورت کلی می‌توان گفت که هویت در پاسخ به سوال «من کیستم؟» مشخص می‌شود. هویت فرهنگی، احساس تعلق یک شخص با گروه به فرهنگی خاص است؛ همین احساس تعلق به یک فرهنگ خاص، هویت فرهنگی را شکل می‌دهد. در قالب خاطرات مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نمادها، اسطوره‌ها و... است که سبب تمایز شدن شخص و جامعه از دیگر اشخاص و جوامع می‌شود. پیوند بین هویت و فرهنگ چنان عمیق است که اغلب هویت را پدیده‌های فرهنگی می‌دانند. در این میان، اتفاقات تاریخی منبعی برای زایش این ارزش‌ها و باورهاست. رویدادهایی که سرچشمه یک ملت را شکل می‌دهند، در قالب خاطرات مشترک، در حافظه جمعی یک ملت ثبت و ضبط می‌شوند. حافظه جمعی که منبعی برای فرآیند هویت‌یابی و هویت‌سازی است، عاملی مهم برای بقای ملت‌ها محسوب می‌شود. زیرا این حافظه جمعی است که به ملت‌ها کمک می‌کند تا خود را تعریف کنند، از دیگران متمایز سازند و خود را به گذشته و آینده متصل کنند. از سنت زان فرانسوی معتقد است تاریخ مشترک و حافظه جمعی، عامل تکوین ملت‌هاست.

هویت ایرانی که ماهیتی تاریخی دارد، و حاصل هزاران سال تجربه زیسته مشترک ایرانیان است، توانسته است در سالیان سال تداوم و پیوستگی ملت ایران را حفظ کند. هویت ایرانی به عنوان

میراثی ناملموس و گرانبها، که منابع و مولفه‌های گوناگونی دارد، عامل همگرایی و تداوم تاریخی ملت ایران بوده است. این میراث ناملموس در یک بازه تاریخی شش هزارساله، و با کشمکش‌ها و تنازعات سخت و نرم گوناگون، تکوین و تطور یافته است. طبق روایت منابع کلاسیک غربی و اسلامی، ایران به عنوان موجودیتی جغرافیایی و تاریخی، از قرن‌ها پیش از اسلام وجود داشته است، و همین موجودیت برخوردار از تاریخ، فرهنگ، سیاست و تمدن، برخوردار از هویت بوده است. یعنی می‌توانسته بین خود و دیگری تمایز قائل شود. بنا به نظرات پژوهشگرانی چون آنتونی اسمیت، علی‌رغم تأکید موضوعاتی مانند ناسیونالیسم و دولت-ملت، هویت ایرانی را می‌توان مقوله‌ای تاریخی دانست. بنابراین، می‌توان گفت که هویت ایرانی، میراثی گرانبها و تاریخی است، و در اعصار گوناگون عامل پیوستگی و تداوم تاریخی ملت ایران بوده است. هویت ایرانی که منابع تاریخی، فرهنگی و دینی غنی دارد، عامل همگرایی و انسجام ملت ایران در عصر کنونی است. پس از آن جهت که هویت ایرانی میراثی گرانبهاست، این میراث گرانبها عاملی برای انسجام ملت ایران است، بر ما واجب است که از این میراث گرانبها پاسداری و حرامت کنیم.

دیپلماسی هویت؛ ابزاری برای پاسداری از هویت ایرانی

واژه دیپلماسی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تعاریف و معانی گوناگونی دارد، و این مفهوم مانند سایر مفاهیم علوم انسانی تعریف واحدی ندارد. داریوش آشوری در فرهنگ سیاسی، دیپلماسی را «دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورها» تعریف کرده است. در تعریف مسپوטר می‌توان گفت دیپلماسی، مدیریت روابط کشورها با یکدیگر و میان کشورها با دیگران بزرگان بین‌المللی است؛ این بازرگان شامل گروه‌ها، سازمان‌ها و افرادی هستند که در کنار دولت‌ها دیپلماسی را به عنوان نظامی اطلاعاتی برای بیان و دفاع از منافع و اعلان تهدیدها و اولتیماتوم‌ها به کار می‌برند. در واقع دیپلماسی مجری تماسی است برای اعلام مواضع، جمع‌آوری اطلاعات و راضی یا قانع کردن یک کشور برای حمایت از مواضع کشوری دیگر. «کشورها با دیگران بزرگان بین‌المللی است؛ این بازرگان شامل گروه‌ها، سازمان‌ها و افرادی هستند که در کنار دولت‌ها دیپلماسی را به عنوان نظامی اطلاعاتی برای بیان و دفاع از منافع و اعلان تهدیدها و اولتیماتوم‌ها به کار می‌برند. در واقع دیپلماسی مجری تماسی است برای اعلام مواضع، جمع‌آوری اطلاعات و راضی یا قانع کردن یک کشور برای حمایت از مواضع کشوری دیگر.» هانس جی مورگنتا نیز دیپلماسی را ابزاری برای تعیین، و تدوین راهی برای دستیابی به اهداف یک کشور می‌داند. به طور کلی دیپلماسی به دو بخش تقسیم می‌شود؛ دیپلماسی سنتی و دیپلماسی نوین (عمومی). در دیپلماسی سنتی که همان سیاست خارجی رسمی کشورهاست هم‌مجریان و مخاطبان، سیاست‌مداران و سران کشورها هستند. در دیپلماسی نوین، مخاطبان مردم کشورها هستند، به همین دلیل به این نوع دیپلماسی، دیپلماسی عمومی می‌گویند. دیپلماسی عمومی نیز به دو بخش تقسیم می‌شود؛ دیپلماسی ارتباطی و دیپلماسی فرهنگی. دیپلماسی فرهنگی که یکی از انواع دیپلماسی و یکی از ابعاد روابط بین‌الملل است، در گذشته اهمیت چندانی نداشت اما علی‌رغم این‌که در طول تاریخ شاهد تبدلات فرهنگی میان جوامع هستیم، دیپلماسی فرهنگی در شکل فعلی آن، محصول دوران پس‌انگ جنگ جهانی دوم است. دولت‌ها از طریق دیپلماسی فرهنگی سه هدف عمده را دنبال می‌کنند؛ الف) کسب وجهه بین‌المللی در میان سایر اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آنها، ب) ایجاد نهاد‌های علمی- فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدار و صمیمیت بیشتر میان جوامع مختلف، ج) فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقای درک متقابل میان ملت‌ها. با توجه به اهمیت یافتن نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل، و با نظر به ماهیت فرهنگ و توانایی آن در ایجاد همگرایی میان ملت‌ها و دولت‌ها، تدوین دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در ایجاد روابط دوستانه و ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان کشورها ایفا می‌کند. امروزه متولیان سیاست خارجی کشورها ادعا می‌کنند که برای دستیابی به منافع ملی، می‌بایست از فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی در جهات اقتاع افکار عمومی استفاده کرد. حال سوالی که مطرح می‌شود این است، که تا وقتی فرهنگ که می‌تواند عاملی برای گسترش روابط دیپلماتیک میان دولت‌ها و ملت‌ها باشد، چرا دیپلماسی نتواند ابزاری برای پاسداری از فرهنگ و هویت باشد؟ همواره نظر متفکران این بوده است که فرهنگ می‌تواند ابزاری برای همگرایی و گسترش روابط حسنه میان ملت‌ها و دولت‌ها باشد. اما آن چیز که مغفول مانده است، توانایی و ظرفیت دیپلماسی برای برجسته‌سازی ویژگی‌های هویتی یک کشور است. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با ایجاد نهاد‌های فرهنگی و علمی، برقراری روابط فرهنگی با سایر جوامع، تأثیرگذاری و اقتناع مردمان دیگر کشورها و در نهایت، برجسته‌سازی هویت فرهنگی یک کشور، از کشور در برابر دست‌درازی‌ها دفاع کند. این نوع دیپلماسی که می‌توان آن را دیپلماسی هویت نامید، می‌تواند در آینده‌ای نزدیک، مؤثرترین ابزار ما برای پاسداری از هویت ایرانی باشد.